

اختلافها میان ارگ و سپیدار و پیشروی طالبان در میدان جنگ

سرمقاله

از دستاوردهای حکومت تا مجبوریتهای جامعه جهانی

حفیظ الله زکی

مبارزه با فساد یکی از تعهدات حکومت افغانستان در برابر جامعه جهانی است که بایستی به آن عمل کند. تأکید جامعه جهانی بر مبارزه با فساد اداری و مشروط کردن ادامه کمک با آن، حکومت وحدت ملی را مجبور می سازد تا راهکارها و راهبردهای مشخصی را برای مبارزه با فساد اداری در افغانستان در نظر بگیرد. حکومت وحدت ملی باید ثابت کند که در دوسال گذشته اراده جدی برای مبارزه با فساد داشته است.

سران حکومت وحدت ملی در زمان کمپاین انتخاباتی به مردم وعده داده بودند که با فساد در ادارات دولتی مبارزه می کنند و خویشخوری، رشوه خواری و پارتی بازی را از ادارات ریشه کن می سازند. بر اساس همین وعده ها حکومت وحدت ملی در روزهای آغازین کاری خود، حرکت های سیمبولیکی را در جهت مبارزه با فساد به راه انداخت و رئیس جمهور در دومین فرمان خود دستور بازگشایی و بازنگری پرونده کابل بانک را صادر کرد. این اقدامات اعتمادی میان مردم و حکومت را تداوم داد و وجود آورد و سطح بی اعتمادی میان مردم و حکومت را تداوم داد. این اقدامات در این روند به زودی متوقف شد و سران حکومت به جای رسیدگی به مسایل مهم ملی به رقابت های سیاسی و جنگ بر سر تقسیم قدرت مشغول گردیدند. در دو سال گذشته موضوعات ملی در گرداب رقابت ها و کشمکش های سیاسی به فراموشی سپرده شد و تا هنوز هم این رقابت ها و کش و گریه ها جریان دارد. این اختلافات درونی حکومت علاوه بر این که بر روند تصمیم گیری ها و سیاستگذاری های حکومتی تأثیر منفی گذاشته و آن را با توقف و کندهای مواجه کرده، ضرر و زیان غیر قابل جبرانی را بر امنیت، اقتصاد، سیاست و حس اعتماد میان مردم و دولت وارد کرده است.

در هفته ها و ماههای اخیر که حکومت به شدت مصروف تدوین پیشنهادهای و دستاوردهای حکومت به نشست بروکسل می باشد، گفتار ملی بر محور سه بحث عمده شکل گرفته است: اول، امنیت. دوم، مبارزه با فساد. سوم، توجیه ناکامی های حکومت در عمل به تعهداتش در برابر جامعه جهانی و در نتیجه درخواست ادامه کمک ها برای حمایت از برنامه های حکومت در راستای تطبیق ارزشهای دموکراسی و حقوق بشر، مبارزه با فساد اداری و ایجاد حکومتداری خوب.

به همین دلیل شورای عالی مبارزه با فساد اداری با اختیارات گسترده ایجاد می گردد و سیاست مبارزه با غصب زمین و تلاش برای برگرداندن زمین های غصب شده دولتی در مطبوعات و رسانه ها برجسته می شود. شدت نامنی ها در برخی ولایت ها و از جمله کندز، هلمند، ننگرهار، بغلان و غزنی نیز گاهی به کنفرانس بروکسل ارتباط داده می شود.

این که حکومت با ارایه برنامه ها و شمارش دستاوردهای خود تا چه حد می تواند حمایت بین المللی را از افغانستان جلب کند، معلوم نیست؛ اما باید دانست که جامعه جهانی و کشورهای کمک کننده به افغانستان، با این که به ضعف ها و کارکردهای ناقص حکومت وحدت ملی واقف اند، باز هم نمی توانند افغانستان را به حال خودش رها کرده و از تلاش های یک و نیم دهه خود در این کشور صرف نظر نمایند. از اینرو ممکن است کشورهای عضو نشست بروکسل از نیروهای امنیتی در افغانستان اعلام حمایت کند و از برنامه های انکشافی و سیاست های صلح جویانه حکومت پشتیبانی کنند و تعهدات خود را بر ادامه کمک های اقتصادی تکرار نمایند، اما این اعلام حمایت به معنای رضایت جامعه جهانی از کارکردهای حکومت وحدت ملی نخواهد بود؛ بلکه دلیل دوام حمایت ها و کمک ها مجبوریتهایی اند که در حال حاضر جامعه جهانی به آن مواجه می باشند. کشورهای کمک کننده می دانند که با قطع کمک ها، افغانستان بار دیگر به لانه تروریسم بین المللی تبدیل می شود و به این صورت امنیت منطقه و جهان با خطر روبرو می شود. از اینرو اعضای نشست بروکسل ترجیح خواهند داد تا به منظور جلوگیری از رشد و گسترش تروریسم در منطقه، حکومت هرچند ضعیف و ناکارای افغانستان را برای سال های آینده مورد حمایت قرار دهند.

افغانستان در وضعیت بحرانی قرار دارد. هلمند، کندز، بغلان و بسیاری از ولایات دیگر در وضعیت بد امنیتی قرار دارد. گروه طالبان تا چند کیلومتری مرکز شهریار لشکرگاه پیش روی نموده بود و با رفتن جنرال ها از کابل وضعیت کمی بهتر شد و نیروهای امنیتی توانست گروه طالبان را وادار به عقب نشینی نماید. ولسوالی خان آباد کندز سقوط کرد. با رفتن جنرال ها به کندز نیروهای امنیتی ولسوالی خان آباد را دوباره تحت کنترل خود در آوردند. اکنون دغدغه بدتر شدن وضعیت امنیتی ولایات مذکور برطرف نشده است. گروه طالبان همچنان تهدید جدی برای امنیت ولایات مذکور به حساب می آید.

در پایتخت اما، وضعیت به گونه ای دیگر بحرانی است. تنش ها میان غنی و عبدالله یک بار دیگر شکل و شمایل دوران انتخاباتی و روزها و ماههای اول شکل گیری حکومت وحدت ملی را به خود گرفته است. عبدالله خواهان سهم خود در حکومت وحدت ملی است و غنی را متهم می کند که حوصله شنیدن حرفها را ندارد و حاضر نیست با او (عبدالله) دیدار نماید. انتقاد عبدالله با واکنش ارگ ریاست جمهوری مواجه شد و رفتار عبدالله را خلاف موازین دولت داری خواند. بعد از آن غنی و عبدالله با هم دیدار نمودند اما جزئیات از دیدار آن ها به رسانه ها درز نمود. اینکه در این دیدار میان دو رهبر حکومت وحدت ملی چه گذشته است معلوم نیست. انتقاد و اعتراض عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی نشان داد که وضعیت سیاسی پایتخت همانند هلمند، کندز و ... آشفته و پر تنش است. در چنین شرایط پر تنش این است که چگونه می توان از اوضاع امنیتی کشور را مدیریت نمود؟

توافق سیاسی میان غنی و عبدالله منجر به شکل گیری حکومت وحدت ملی شد. در این توافق سیاسی، اصلاحات و طرف مشخص نشد. این خلاف جدی در توافق سیاسی میان غنی و عبدالله بود. به نظر می رسد که غنی به خوبی توانسته است

از این خلاء استفاده نماید. عبدالله عبدالله را به حاشیه رانده است. عبور از وضعیت کنونی نیازمند تقسیم قدرت و سهم دهی به تمام گروه های قومی است. اگر معیار را کابینه حکومت وحدت ملی در نظر بگیریم تا حد زیادی تقسیم قدرت بر مبنای میزان نفوذ گروه های قومی رعایت شده است اما، مسئله اصلی پست های سیاسی دیگری است که میان غنی و عبدالله مشکل به وجود آورده است. سفارت خانه ها، کمیسیون ها، معاونت ها و ریاست ها اما، بر اساس شعاع وجودی گروه های قومی تقسیم نشده است. برای عبور از وضعیت بهتر آن است که پست ها را از شکل و فرم سیاسی بیرون نمایم. بسیاری از پست ها باید اداری باشد و افراد بر مبنای شایستگی و تخصص خود ایفای وظیفه نمایند. اگر این مهم به خاطر فساد گسترده امکان پذیر نیست بهتر آن است که به میان گروه های قومی تقسیم گردد. اما، این بدین معنی نیست که شایستگی و تخصص لحاظ نگردد. عبدالله و هر کس دیگر که افرادی را برای یک پست معرفی می کند باید شایستگی و تخصص

کافی در آن زمینه را داشته باشد. بعد از همسویی و حل اختلافات در کابل توبت مبارزه و سرکوب گروه طالبان می رسد. در ۱۵ سال گذشته ما با گروه طالبان برخورد نظامی نموده ایم. در واقع، این گروه برای سال های متعددی سرکوب شده است اما، راهکار نظامی جوابگو نبوده است. به عبارت دیگر، جامعه جهانی و حکومت افغانستان قادر به از بین بردن این گروه نشده است. در سال های پسین، حکومت وحدت ملی گزینه دیگری را نیز پیش گرفت اما، هیچ سودی برای مردم و حکومت نداشت. گروه طالبان یا پیش شرط های برای گفتگو و مصالحه بیان داشته است که امکان گفتگو و مذاکره را از بین برده است و یا صراحتاً از گفتگو و مذاکره با حکومت ابا ورزیده است. تجربه سال های گذشته نشان می دهد که ما با ابزار نظامی قادر به از بین بردن گروه طالبان نمی باشیم. در عین حال، سیاست مصالحه و گفتگو نیز سودمند نیست. گزینه های



دیگری نیز وجود دارد که تا هنوز ما تجربه ننموده ایم. در ۱۵ سال گذشته به مبارزه فرهنگی با گروه طالبان توجه نشده است. زمینه های اجتماعی پرور بنیادگرایی و افراط گرایی کمتر تمرکز شده است. ما برای راهی از شر بنیادگرایی و افراط گرایی ضرورت جدی به مبارزه فرهنگی و اجتماعی داریم. تنها از طریق مبارزه فرهنگی امکان دگرگونی ذهنیت افراد ممکن می گردد. تنها با مبارزه اجتماعی است که گروه طالبان و هر گروه بنیادگرایی دیگر موقعیت و جایگاه خود را در جامعه از دست می دهد و فرصت فعالیت را از آن ها می گیرد. با این حال، مبارزه فرهنگی و اجتماعی نتیجه اش طولانی مدت است و ما را از شر بنیادگرایی و گروه های افراط گرا برای همیشه رها می بخشد. از این جهت، ما در کنار سرمایه گذاری، آموزش و تجهیز نیروهای امنیتی ضرورت به سرمایه گذاری جدی روی نهاد های تحصیلی و فرهنگی داریم. پالسی و سیاست گسترش مکاتب و دانشگاه ها و

کنترل و نظارت جدی بر مواد درسی آن یک ضرورت جدی برای مبارزه با بنیادگرایی و افراطیت است. در ۱۵ سال گذشته هزاران مکتب در سراسر کشور ساخته شده است و تعداد زیادی از شهروندان کشور وارد دانشگاه شده اند اما، مکتب و دانشگاه اگر از یک طرف به رشد اندیشه های جدید و تحکیم ارزش های دموکراتیک و حقوق بشری کمک نموده است از طرف دیگر به گروه های بنیادگرا نیز کمک نموده است. زیرا، دانشگاه ها و مکاتب یکی از مکان های ترویج اندیشه های بنیادگرایانه و افراطیت بوده است. در واقع، مکاتب و دانشگاه ها فندان متون درسی استندرد و هماهنگ با ارزش های دموکراتیک و حقوق بشری مواجه بوده است. به جای آن آموزه های دینی با نگرش بنیادگرایانه حاکم بوده است. ما ضرورت داریم که متون درسی را استندرد نموده و مواد درسی را با ارزش های جدید هماهنگ سازیم.

در ۱۵ سال گذشته سیاست مبنی بر حفظ و مراقبت از مکاتب و دانشگاه ها وجود نداشته است. به همین خاطر، گروه طالبان به راحتی توانسته است مکاتب را در بسیاری از ولایات ویران نماید. باید سیاست حفظ و مراقبت مکاتب و دانش جویان از سوی وزارت داخله نیز روی دست گرفته شود. در عین حال، نظارت بر معلمان و اساتید مکاتب و دانشگاه ها یک امر ضروری است تا مبادا معلمان و اساتید به ترویج بنیادگرایی و افراطیت بپردازد. بنابراین، حل اختلافات برای مدیریت کشور یک ضرورت جدی است. اختلافات میان غنی و عبدالله فرصت مدیریت اوضاع کشور را از دو رهبر حکومت وحدت ملی می گیرد. برای رهایی از شر گروه طالبان به صورت خاص و بنیادگرایی و افراطیت به صورت عام نیازمند مبارزه فرهنگی و اجتماعی در کنار مبارزه نظامی می باشیم. بدون مبارزه فرهنگی ما پیروز نخواهیم شد. گروه طالبان نیز پیروز نخواهد شد. جنگ به شکل کنونی ادامه خواهد یافت. جنگی فرسایشی که در نهایت ممکن است همه چیز را دگرگون نماید.

هیلاری کلینتون، بازگشت به مداخله گری قدرتمند؟

سیلوان کیپل / مترجم: شهباز نخعی / قسمت اول



حضور هیلاری کلینتون در کاخ سفید به جنگ های جدید آمریکا در خاور نزدیک بیانجامد. به نظر او، هیلاری کلینتون «هرگز محدودیتی برای توانایی ایالات متحده برای تغییر دنیا با معیار منافع خود قائل نبوده است» (۴). او هیچ گاه ترانزنامه ای در مورد موضع گیری هایش، اعم از عراق (او به عنوان سناتور دموکرات درسال ۲۰۰۳ به جنگ آغاز شده توسط جرج دبلیو بوش ای داد) و لیبی ارائه نکرده است. سیاست او در مورد لیبی - تلاش بسیاری کرد ستاد نیروهای مسلح آمریکا که نسبت به عملیات بنغازی، باعواقب شومی می دانیم، اکره داشت را به اقدام نظامی ترغیب کند - بار دیگر تمکین او نسبت به راهنمای واشنگتن را نشان می دهد. این استاد دانشگاه یادآوری می کند که جو بایدن، معاون رئیس جمهوری با مشارکت آمریکا در سرنگونی قذافی مخالف بوده و گفته بود پیش از درگیر شدن در یک جنگ می باید «نه فقط به روز پس از آن، بلکه به یک دهه بعد فکر کرد».

دیدگاهی تنگ درباره منافع آمریکا نگاهی سریع به افق رفتاری هیلاری کلینتون، درسال های که در راس وزارت امور خارجه (۲۰۱۳ - ۲۰۰۹) بود، نشان می دهد که زنی که تحت سلطه دیدگاهی تنگ از منافع آمریکا است، به نوشتن کتاب «بیش از آن که در فکر قابلیت واقعی تهدید باشد، به نمونه بودن ارزش خود باور دارد». به این دلیل بود که او از رئیس جمهوری آمریکا به خاطر این که پس از عبور سوریه از «خط قرمز» تعیین شده یعنی کاربرد سلاح شیمیایی از حمله به این کشور خودداری کرد به شدت انتقاد نمود. بنابر گفته های نزدیکانش او واکنشی تند داشت: «اگر گفته شود که حمله می کنیم، گزینه دیگری نداریم، باید این کار را کرد». به نظر او، اما، حمله هیچ مشکلی را حل نمی کرد و احتمالاً وضعیت نم انگیز سوریه را - اگر از این وخیم تر نیز ممکن باشد - وخیم تر می کرد.

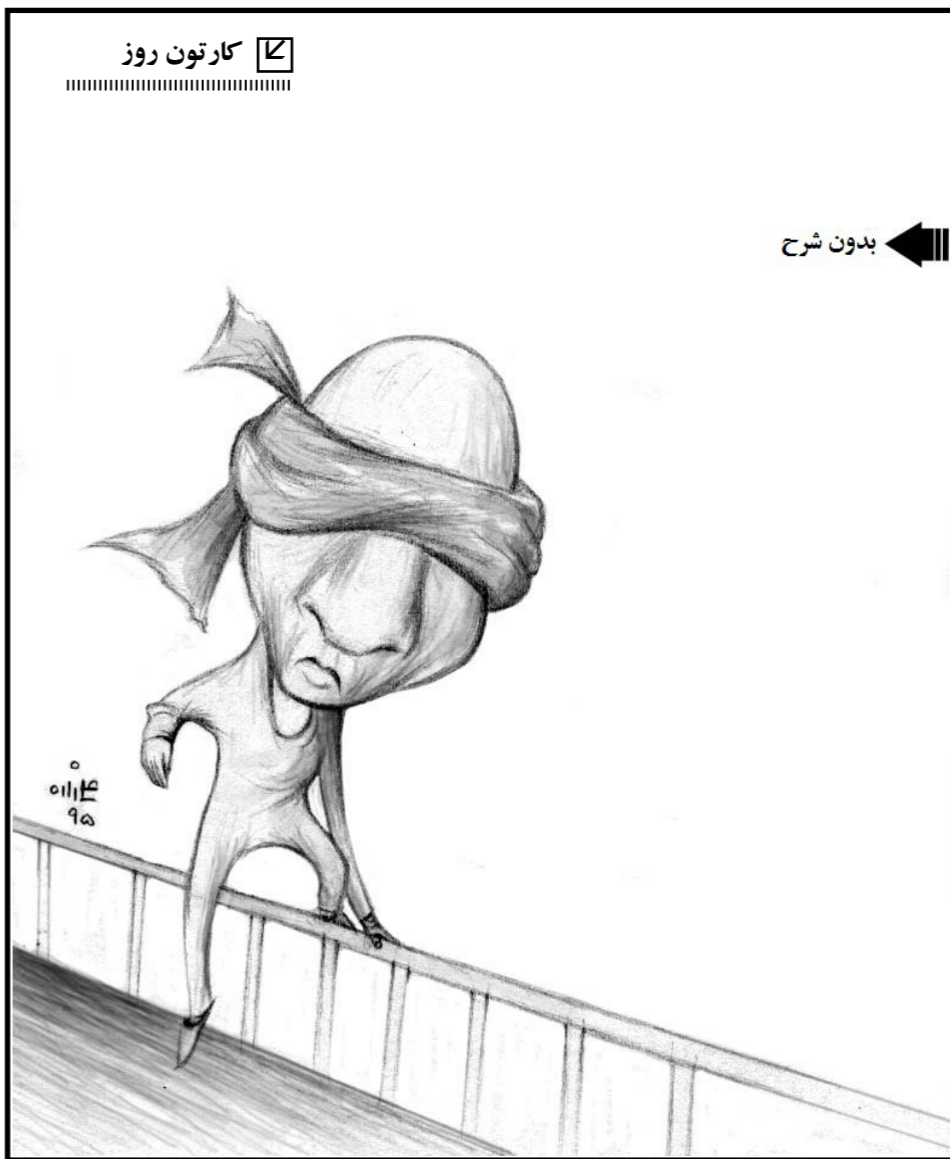
این نخستین باری نبود که او، با وزیر امور خارجه اش نظرانی متفاوت داشتند. نخستین اختلاف بین آنان در مورد افغانستان پیش آمد که ازسال ۲۰۰۹، هنگامی که جنرال های آمریکایی حاضر در افغانستان خواستار حضور ۴۰ هزار سرباز آمریکایی اضافی در این کشور شدند، کلینتون در تقابل با اکره او، با اشتیاق به حمایت از «برنامه ضد شورش» جنرال ها پرداخت. او در خاطرات خود توضیح می دهد که ارزیابی اش این بوده که طالبان تا زمانی که در موضع قدرت است تن به مذاکره نخواهد داد. از این رو، پیش از مذاکره می باید بر آنها غلبه کرد یا به حد کافی آنها را تضعیف نمود.

و بیش از همیشه غیرقابل درک است. آیا رفتار او در زمان «بهار عرب» در مصر می تواند نشان دهنده سیاست خارجی اش در خاور نزدیک پس از انتخاب به ریاست جمهوری باشد؟ او در خاطرات خود، «زمان تصمیم گیری ها» (انتشارات فایر، ۲۰۱۴) پنهان نمی کند که از دید او نتیجه «بهار» مصر نشان داد که حق با او بوده است: سقوط حسنی مبارک به ظهور خودکامه ای بدتر از مستبد پیشین انجامید. در واقع، این ایده را رد می کند که عقب نشینی اش اجتناب ناپذیر بوده است. یقیناً، رفتار او در آن زمان می توانست نتیجه یک برآورد غلط کادر دیپلماتیکش در مصر بوده باشد. اما در اساس، او مدافع محافظه کارترین خط منشی، هم از نظر خطری پذیری و هم از جهت تعهد سیاسی بود.

این محافظه کاری، که برخی حتی آن را «محافظه کاری نو» توصیف می کنند، انتقاد اصلی چپ دموکرات به اوست. جفری گلدبرگ، روزنامه نگار آمریکایی در مقاله اش با عنوان «دکترین او، اما» در آوریل ۲۰۱۶ بدگمانی او، اما نسبت به «کتاب نقش واشنگتن» را شرح می دهد: این «راهنمای» غیر رسمی که اکثر نخبگان پایتخت آمریکا و کارشناسان سیاست بین المللی را به هم پیوند می دهد، او، اما، با نظر خوشی نسبت به آن ندارد. آنچه که او، اما، رد می کند، این است که این راهنما، در همه شرایط درگیری برتری را به کاربرد زور می دهد: فشار دیپلماتیک را بر کوشش برای دست یابی به مصالحه و تهدید با نفقه یا استفاده عملی از سلاح در صورت لزوم را ترجیح می شمارد. با این حال، آشکار است که هیلاری کلینتون تجسم دستگاه مدیریتی است که مجتمع نظامی - صنعتی و اندیشکده هایی مانند «شورای روابط خارجی»، «بنیاد بروکینگز»

جمهوری آمریکا را به موضع گیری به نفع «نیروهای تغییر طلب» ترغیب می کردند. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه برای جیمز تراوب حکایت می کند که نمایندگان دموکرات هوادار «مداخله» در سیاست خارجی بر مبنای حقوق انسانی (اکثر آنان بعداً از اقدام مسلحانه آمریکا در سوریه حمایت می کنند) را ساده لوح می دانست. به ویژه، نظر هیلاری این است که سقوط رژیم حسنی مبارک - که به او و به ویژه همسرش نزدیک است - پیامی خیلی ناگوار برای متحدان ایالات متحده، در درجه اول اسرائیل (بنیامین نتانیاو اعلام کرده بود که تنها گزینه حمایت بی قید و شرط از حسنی مبارک خواهد بود) و نیز عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس خواهد فرستاد. ۲۸ جنوری، هیلاری در برنامه تلویزیونی «دیدار با مطبوعات» با صدای بلند گفت که تنها حسنی مبارک می تواند از عهده «یک گذار مسالمت جویانه همراه با نظم به سوی یک دموکراسی واقعی» (۱) بر آید. در این مورد، او از حمایت دو چهره: رابرت گیتز وزیر دفاع جمهوری خواه و جو بایدن معاون رئیس جمهوری برخوردار بود. با این حال، باراک او، اما، خلاف نظر او عمل کرد. فردی آن روز، او، اما، علناً اعلام کرد که به نظر او، گذار می باید «فورا» انجام شود. ده روز بعد، مبارک زیر فشار مردمی قدرت را ترک کرد.

یک محافظه کار در میان دموکرات ها هیلاری کلینتون، زنی که می پندارد می توان جریان زمان را متوقف کرد، از سوی حزب دموکرات به عنوان نامزد ریاست جمهوری آمریکا معرفی می شود و همه نظرسنجی ها تا امروز نشانگر این است که بخت بسیاری برای رهایی به کاخ سفید دارد (۲). و این در شرایطی است که دنیای خارج برای آمریکائیان خطرناک و پر آشوب تر



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

